

متن پرسش

با سلام و عرض ادب محضر استاد گرامی اخیراً سایت خبرآنلاین مصاحبه ای با آیت الله علی کورانی عاملی داشته که به نظر می رسد با نوع نگاه حضرتعالی نسبت به تکالیف عصر غیبت تفاوتی هایی دارد به خصوص آنجا که می گویند: "هیچ یک از فقهای ما نگفته که ما برای انتظار، تکالیف خاصی داریم. خب چه کسی فتوا داده که چنین کاری باید کرد؟ هیچ کس. سخن این نظریه پردازان درباره «واجبات انتظار»، سخنی غیر فقهی است؛ یا اخلاقی است، یا انشائی، یا خیالی. و منشأ آن از این جاست که نویسنده یا گوینده، مفهومی بیش از ظرفیت متن آیه و حدیث را بر متن تحمیل می کند. معمولاً سخنشان منبعی ندارد و از خودشان است." و نیز در ادامه بر این مطلب تاکید می کنند. بنظرم سخنان ایشان در عین حال که در محدوده فقه اصغر درست است و ما مسائل و احکام اضافه ای در رساله عملیه به جهت نسبت با امام زمان در آخرالزمان نداریم اما در مجموع کلامشان احساس می کنم در زمینه اخلاقی و اعتقادی یا به تعبیر خودشان انشائی و خیالی نیز، نوعی فروکاست صورت گرفته از افق نگاه جدی و ظریف درباب آخرالزمان و شرایط عصر غیبت که در کتابهای جنابعالی وجود دارد. شاید منشا دیدن این تفاوت بضاعت قلیل من بوده و قضیه طور دیگری است. ممنون میشوم اگر راهنمایی بفرمایید. متن کامل مصاحبه: آیت الله علی کورانی عاملی، یکی از علمای برجسته لبنان و ساکن شهر قم است. تا کنون دهها عنوان کتاب درباره تاریخ اسلام و کلام شیعه منتشر کرده، نخستین مرکز نرم افزاری اسلامی جهان را در ایران بنیان گذاشته و در چند شبکه ماهواره ای به زبان عربی و فارسی برنامه دارد. اما در ایران بیش از هر چیز، با کتاب «عصر ظهور» شناخته می شود. همان چهره برجسته و محققى که تولید کنندگان "سى دی ظهور" تمام اعتبار حرف های خود را به وی منتسب می کردند اما وی سخنان منتسب به خود را رد کرد. در سالروز آغاز ولایت حضرت صاحب الزمان (عج) چند پرسش را درباره مفاهیم انتظار و غیبت مطرح کرده ایم. گفت وگوى خبرآنلاین را با آیت الله کورانی می خوانید: تعریف مشترک از انتظار نزد شیعیان چیست؟ تعریفی که مورد اتفاق تمام فقهای شیعه باشد. انتظار دو بُعد و تعریف دارد. بُعد اول: گاهی انتظار یعنی منتظر بمانید، دولت تشکیل ندهید تا امام مهدی بیاید. یعنی صبر کن و دست نگه دار. زیرا شما نمی توانید دولتی عادل تشکیل دهید. پس هیچ دولتی تشکیل ندهید و مسئولیت آن را به عهده نگیرید. بعضی از فقهای ما قائل به این رأی هستند و تشکیل دولت را قبل از ظهور امام زمان قبول نمی کنند. می گویند تکلیف ما نیست. بعضی هایشان حرام می دانند، بعضی هایشان می گویند جائز است ولی وظیفه نیست. اما بعضی ها هم تشکیل حکومت را جایز می دانند. بعضی از باب حسبه، یعنی أحياناً برای نظم جامعه جایز می دانند،

مانند آیت‌الله عظمی خویی؛ و بعضی هم از باب ولایت فقیه، نه تنها جایز، بلکه وظیفه و واجب می‌دانند، مانند امام خمینی. پس نظر این‌ها دربارهٔ انتظار با هم فرق دارد. از نظر امام خمینی یعنی انتظار داشته باشید ولی در عین حال فعالیت کنید و در خط امام مهدی(ع) دولت تشکیل بدهید، اما بعضی می‌گویند نه وظیفه ما این نیست. پس انتظار دو معنی دارد. انتظار با انقلاب و تشکیل حکومت، و انتظار بدون تشکیل حکومت که می‌گوید نه ما نمی‌توانیم دولت عدل تشکیل دهیم، پسبا حکومت‌هایی که هست می‌سازیم تا امام زمان بیاید. البته هم‌زمان می‌کوشیم تا به حکومت جهت دهیم و راهنمایی‌اش کنیم تا از ظلمش بکاهیم. این یک بُعد از انتظار بود. این که حکومت تشکیل بدهیم یا ندهیم. بُعد دیگر که مورد اتفاق همه شیعیان است، انتظار به معنی امید و توقع است. یعنی یقینی عمیق به این که آینده از آن دولت عدل الهی است. یعنی به جای یأس و ناامیدی، امید داشته باشید، شاید هر لحظه خدا این کار را شروع کرده و ظهور امام را آغاز کند. -می‌شود توضیح دهید که منظور از این بُعد چیست؟ آیا فعالیت خاصی را نمی‌طلبد؟ بعضی‌ها وقتی می‌بینند چه قدر فساد و ظلم هست، چه قدر مردم بی دین شده‌اند، مأیوس می‌شوند. این باور می‌گوید مأیوس نشوید. کار جهان به دست خداست. خدا این اجازه را داده، اما در نهایت نقشه و برنامه دیگری دارد. -پس یعنی اعتقاد به این که این سیر تاریخ بشر، هدفی داشته و نهایت خوشی دارد. احسنت. یعنی «الخط البیانی»، یعنی سیر تاریخی امت اسلامی، حتماً باید به اوج خود، یعنی شمول اسلام بر کل جهان برسد. «لِیُظْهِرَهُ عَلَى الدِّینِ كُلِّهِ» هدف است و حتمی و قطعی است. کی اتفاق می‌افتد؟ نمی‌دانیم. ولی توقع داریم شاید امسال باشد، شاید سال آینده، شاید هم هزار سال دیگر. -خب این بُعد انتظار، تکالیف خاصی را ایجاد نمی‌کند؟ هرگز. هیچ یک از فقهای ما نگفته که ما برای انتظار، تکالیف خاصی داریم. -پس این همه که می‌گویند و می‌نویسند و کتاب و جزوه منتشر می‌کنند که وظایف منتظران چیست، چه می‌شود؟ خب چه کسی فتوا داده که چنین کاری باید کرد؟ هیچ کس. سخن این نظریه پردازان دربارهٔ «واجبات انتظار»، سخنی غیر فقهی است؛ یا اخلاقی است، یا انشائی، یا خیالی. و منشأ آن از این جاست که نویسنده یا گوینده، مفهومی بیش از ظرفیت متن آیه و حدیث را بر متن تحمیل می‌کند. معمولاً سخنان منبعی ندارد و از خودشان است. -یعنی کاری فقهی و فقهاتی نیست. نه. هرگز. ما چیزی به عنوان «تکالیف زمان غیبت»، «به علت غیبت» یا «در انتظار» نداریم. تکلیف واجب برای مکلف، همان تکالیف عمومی زمان حضور امامان است و نه چیزی بیشتر. فقط همان است. تکلیف ما در زمان غیبت و حضور معصوم فرقی نمی‌کند. متون رسیده از اهل بیت تأکید دارد که تنها کار واجب در زمان غیبت امام این است: ایمان و انتظار فرج او. فقط ما راتشویق کرده‌اند که برای او دعا کنیم و با او ارتباط روحی داشته و به او توسل کنیم. -پس وظیفه فرد منتظر که بعضی همه اش روی آن تأکید می‌کنند؟... وظیفه ای که مربوط بشود به جامعه، نداریم. هیچ وظیفه‌ای برای انتظار و مخصوص آن نداریم. -پس وظیفه منتظر شد فقط انجام واجبات و ترک محرّمات و دعا. همین تکالیف شرعی ثابت شده است. یعنی حلال و حرام و واجب و مستحب و مکروه. هر کس که به این‌ها عمل

کند، واجبات را انجام دهد و گناهان را ترک کند، یعنی منتظر است و مورد قبول. -پس فرق کسی که به امام زمان اعتقاد دارد و کسی که ندارد در چیست؟ خب این منتظر است و توقع دارد امام ظهور کند، ولی آن، توقع ندارد. -یعنی تفاوتشان تنها در یک حالت روحی است؟ تفاوت آن‌ها در باورها و عواطف است. و این کم چیزی نیست. این یک تفاوت اساسی است. این [=منتظر] اعتقاد دارد که خط سیر جهان به طرف تکامل و به طرف دولت عدل الهی است. -آخر می‌گویند اگر کسی اعتقادی داشته باشد باید عملی را متناسب با اعتقادش انجام دهد. خیر. این یک قاعده کلی نیست. مثلاً ما به آسمان‌های هفتگانه معتقدیم، حال، تکلیف متناسب با آن چیست؟! اعتقاد به امام مهدی(ع)، تکالیف ویژه‌ای را که موازی با آن باشد، ایجاب نمی‌کند. حداکثر می‌توان گفت ایمان به او، دعا برای او، و احساس آمادگی برای کمک به او در صورت ظهورش، موازی با اعتقاد به اوست. -یعنی بخشی از دین داری شیعه است و چیزی مستقل نیست که فعالیت مستقلی را بطلبد. همین طور است. هرگز. -پس نظر قائلان به تشکیل حکومت چه می‌شود؟ آن را وظیفه منتظران در زمان غیبت نمی‌دانند؟ این هم مختص به زمان غیبت نیست. غیبت وظیفه خاصی را ایجاب نمی‌کند. حتی ولایت فقیه هم از نظر قائلان به آن، هم در حضور و هم در غیبت معصوم مطرح است. و در مورد نیابت فقیه از معصوم به حدیث «جَعَلْتُهُ عَلَیْکُمْ حَاکِمًا» از امام صادق(ع) استناد می‌کنند که به زمان حضور امام هم برمی‌گردد.

۶۲۶۲/

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: البته مسئله بسیار ظریف‌تر و دقیق‌تر از آن است که جناب آقای کورانی مطرح می‌فرمایند و حتی در کتاب «عصر ظهور» ایشان که از وجهی نکاتی را در رابطه با عصر ظهور فرموده‌اند بسیار بسیار نکاتی هست که ایشان در آن کتاب متذکر نشده‌اند و این یک امر بدیهی است. ولی در هر حال مسئله‌ی تلاش برای تحقق عدالت از طریق انسان کامل چیزی است ماوراء این حرف‌ها، و روح اسلامیت هر مسلمان بر عهده‌ی مسلمانان می‌گذارد که زمینه‌ی ظهور نور الهی را فراهم کنند و مگر جز این است که ملتی که منتظر مصلح هستند باید خود صالح باشند؟ و ملت صالح می‌توانند نسبت به حاکمیت جامعه و امور سیاسی و اقتصادی و تربیتی خود بی‌تفاوت باشند؟ و مگر ولایت فقیه جز ایجاد شرایط برای به‌وجود آمدن انسان‌های صالحی است که زمینه‌ی ظهور مصلح را فراهم کنند و آن امام عزیز غایب را امیدوار نمایند؟ موفق باشید